

به نام خدا

هزار راه نرفته

در

کسب و کار و اشتغال

دکتر علی اصغر جهانگیری

سرشناسه: جهانگیری، علی اصغر
عنوان و نام پدیدآورنده: هزار راه نرفته در کسب و کار و اشتغال / علی اصغر جهانگیری.
مشخصات نشر: تهران: لوح دانش، ۱۳۹۴
مشخصات ظاهری: ۲۳۲ ص: مصور (رنگی).
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۰۹-۰۷۸-۳
وضعیت فهرست نویسی: فیبا
موضوع: کارآفرینی - ایران
رده بندی کنگره: HB ۶۱۵/ج۹-۴ ۱۳۹۴
رده بندی دیویی: ۰۴/۳۳۸
شماره کتابشناسی ملی: ۳۸۸۶۷۱۳



هزار راه نرفته در کسب و کار و اشتغال

مؤلف:	دکتر علی اصغر جهانگیری
صفحه آرا:	زینب ظرافتی
لیتوگرافی:	بهرنگ
چاپ و صحافی:	قدیانی
نوبت چاپ:	اول ۱۳۹۴
شمارگان:	۲۰۰۰ نسخه

شابک ۹۷۸-۶۰۰-۱۰۹-۰۷۸-۳

ISBN978-600-109-078-3

قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان

فهرست مطالب

۱۲	پیشگفتار.....
۱۸	مقدمه.....
۲۰	نگاهی به سوابق علمی پژوهشی.....
۲۱	سایر فعالیت‌های پژوهشی تحقیقاتی.....
۲۱	پاره‌ای از ویژگی‌های کارآفرینی مؤلف.....
۲۳	یادها و خاطره‌ها.....
۲۷	فصل اول کارآفرینی.....
۲۸	خلق ایده در زمان و مکان و امکان مشخص.....
۳۰	تبدیل زیان به سود.....
۳۱	ایجاد فرصت.....
۳۳	تغییر صفات و شخصیت اشیاء.....
۳۵	کشف نیازهای بی‌پاسخ مانده بشر.....
۳۶	رابطه کارآفرینی با اشتغال.....
۳۸	اشتغال آفرین.....
۳۹	دیدن به نوعی متفاوت.....
۴۰	موانع خلاقیت.....
۴۲	چالش‌های پیش رو.....
۴۶	چالش‌ها.....
۴۷	راهکارها.....

- ۵۲ یک پیشنهاد به مسئولین کشور
- ۵۳ نقش ایران در تمدن
- ۵۵ ایرانیان کارآفرینان برتر تاریخ
- ۵۹ بانک اشتغال
- ۶۱ درآمد نفتی
- ۶۱ دانشگاه‌ها
- ۶۱ عدم آشنائی جوانان با مدیران کشور
- ۶۱ الگوهای غربی
- ۶۱ نبود مراکز راهنمائی و مشاوره
- ۶۲ کپی کاری
- ۶۲ سودآوری
- ۶۴ تجربه کشور هند
- ۶۴ تجربه کشور چین
- ۶۴ نحوه کارکرد بانک
- ۶۶ شعبات بانک اشتغال
- ۶۷ نحوه همکاری بانک اشتغال
- ۶۷ آشنائی با منابع و توانمندی ایرانی
- ۷۱ تاریخچه صنعت
- ۷۲ صنعت در ایران
- ۷۳ چالش‌ها و راهکارهای پیش رو

۷۴	آنچه می‌آموزیم
۷۴	هزینه‌های سربار
۷۸	جایگزینی مواد اولیه
۷۹	کیفیت و بهره‌وری در تولید
۹۴	تغییر خط تولید
۹۶	مونتاژ
۹۷	برون‌سپاری خدمات
۹۸	نقش مدیریت در شرایط بحرانی
۹۸	آشنائی بیشتر با مشاغل خانگی
۱۰۵	فصل دوم استفاده از ظرفیت خالی کارخانجات
۱۰۷	مشاغل خانگی
۱۰۷	روش فعالیت
۱۱۰	ضایعات صنعتی
۱۱۲	نگاه هنرمندانه
۱۱۴	صنایع دستی
۱۱۴	فروش محصولات و صنایع دستی
۱۱۷	فصل سوم پتروشیمی در ایران
۱۱۸	صنایع گوناگون پتروشیمی
۱۱۸	ترکیبات نفت خام و فرآورده‌های نفتی
۱۱۹	ترکیبات موجود در نفت خام

- ۱۲۲..... به کجا چنین شتابان
- ۱۲۷..... فصل چهارم: طبیعت
- ۱۲۷..... لیست و قیمت گیاهان را پیدا کنید
- ۱۲۸..... روش‌های جمع‌آوری گیاهان
- ۱۲۹..... فراوری گیاهان جمع شده
- ۱۲۹..... اولین تولیدکننده و پخش کننده گل‌های زیبای وحشی باشید
- ۱۳۰..... گیاهان
- ۱۳۲..... بد نیست بدانید که
- ۱۳۴..... منابع طبیعی
- ۱۳۵..... تولید محصولات از طبیعت
- ۱۳۸..... ایجاد پارک‌های بدون گیاه در استانهایی که با بحران آب روبرو هستند
- ۱۴۰..... تولید گازوئیل از لاستیک‌های فرسوده
- ۱۴۱..... تولید برنج باسماتی
- ۱۴۱..... ضایعات در طبیعت
- ۱۴۴..... داروهای گیاهی در جهان امروز
- ۱۴۵..... کشاورزی
- ۱۴۸..... کشاورزی
- ۱۴۹..... گلخانه
- ۱۵۰..... توصیه به وزارت کشاورزی
- ۱۵۰..... باغ روی بام

۱۵۱.....	فضای سبز.....
۱۵۱.....	درختان بدون شاخه.....
۱۵۲.....	تولید و فراوری محصولات در بستر کشاورزی.....
۱۵۲.....	تولید زولبیا و بامیه در رنگهای گوناگون.....
۱۵۲.....	تولید نبات رنگی.....
۱۵۳.....	تولید سبزه عید.....
۱۵۳.....	روبالشی شفا بخش.....
۱۵۳.....	تولید مربای تربچه.....
۱۵۴.....	آبیاری درختان در شرایط بحران بی آبی.....
۱۵۶.....	طرح‌های تولیدی و کشاورزی.....
۱۶۱.....	باغ بوتانیک.....
۱۶۲.....	نهایستان.....
۱۶۴.....	نحوه فروش نهال‌های تولید شده.....
۱۶۵.....	تولید و بسته بندی بذرهای کمیاب.....
۱۶۷.....	طرح توسعه.....
۱۶۷.....	گیاهان چند منظوره.....
۱۶۷.....	فراوری و بسته‌بندی.....
۱۶۸.....	تولید محصولات بدون مجوز.....
۱۶۸.....	بهره‌مندی خانواده‌ها از گیاهان.....
۱۶۸.....	معرفی و عرضه گیاهان به خانواده‌ها.....

- گونه‌های مناسب برای اقلیم‌های مختلف..... ۱۶۸
- تولید گل گوشتخوار..... ۱۶۸
- تولید رنگ از ضایعات..... ۱۶۹
- تبلیخ روی میوه‌ها..... ۱۶۹
- تولید لیف حمام..... ۱۷۰
- تولید سیگار بدون نیکوتین یا توتون قلیان..... ۱۷۱
- اکسیر تندرستی..... ۱۷۱
- قرص برنج گیاهی..... ۱۷۱
- ماسک صورت..... ۱۷۲
- ریمل طبیعی..... ۱۷۲
- نوشابه‌های شفابخش..... ۱۷۲
- نقش کشاورزی در صنایع غذایی..... ۱۷۳
- کلینیک آروماتراپی..... ۱۷۳
- رستوران کندلوس..... ۱۷۳
- جنگل..... ۱۷۴
- تولید بنزین پاک..... ۱۷۴
- تولید شکر استویا..... ۱۷۵
- جمع‌آوری گرده زنبور عسل..... ۱۷۵
- جلبک‌ها..... ۱۷۵
- ضایعات کشاورزی..... ۱۷۶

۱۷۹.....	پارهای از ضایعات کشاورزی.....
۱۸۳.....	فصل پنجم فرهنگ و هنر در خدمت اشتغال.....
۱۸۵.....	خوداشتغالی در زمینه فرهنگ.....
۱۸۸.....	اقتصاد در بستر فرهنگ.....
۱۸۸.....	تولید و تکثیر اشیاء موزه‌ها.....
۱۸۹.....	روایات مستند.....
۱۸۹.....	موسیقی‌های محلی.....
۱۹۰.....	ایجاد کلکسیون.....
۱۹۱.....	نقاشی روی قلوه سنگ.....
۱۹۱.....	ساخت هدایا با تخته سنگ‌ها.....
۱۹۲.....	جمع‌آوری داروهای سنتی.....
۱۹۲.....	گل آرائی با گل‌های خشک وحشی.....
۱۹۳.....	تولید سبزه عید در طرح‌های جدید.....
۱۹۳.....	تبلیغ روی میوه‌ها.....
۱۹۳.....	چاپ پوستره‌های آموزشی.....
۱۹۳.....	مراسم تدفین.....
۱۹۴.....	بافته‌های محلی.....
۱۹۴.....	استفاده از پوست درختان.....
۱۹۴.....	سفال و سرامیک.....
۱۹۵.....	استفاده از کشاورزی در بستر فرهنگ.....

- ۱۹۵..... احداث موزه‌های محلی
- ۱۹۶..... تولید زولیبای رنگی و نبات رنگی
- ۱۹۶..... دلمه‌سرا
- ۱۹۷..... ساخت صفحات شیشه‌ای تزئینی
- ۱۹۷..... عرضه انواع چای
- ۱۹۸..... تکثیر پرندگان زینتی
- ۱۹۸..... چاپ تیشرت فرهنگی یا پرچم‌های ملی مذهبی
- ۱۹۸..... گیاه بولاغ اوتی (تره آبی)
- ۱۹۹..... تولید لبنیات جدید
- ۱۹۹..... چاپ کتاب
- ۱۹۹..... گفتگو با مردگان
- ۲۰۰..... سیب زمینی قیفی
- ۲۰۰..... تبلیغ پشت قبوض گاز و تلفن و برق
- ۲۰۰..... ساخت جعبه هدایا
- ۲۰۱..... چاپ کتاب توسط میراث فرهنگی در استان‌های مختلف (دانش بومی)
- ۲۰۱..... تولید هدایا و اشیاء تزئینی فرهنگی
- ۲۰۱..... تولید و بسته بندی بذرهای گل
- ۲۰۱..... تولید گل میخ‌های قدیمی
- ۲۰۲..... تولید لوازم مدرسه
- ۲۰۲..... تولید قطعات پلاستیکی

۲۰۲.....	جمع آوری گرده زنبور(پولن)
۲۰۳.....	گردشگری
۲۰۳.....	فیلم‌های آموزشی
۲۰۴.....	تحول در صنایع دستی
۲۰۴.....	عرضه موادغذائی معروف
۲۰۷.....	فصل ششم بازرگانی
۲۰۷.....	بازرگانی در ایران
۲۰۸.....	صادرات
۲۰۹.....	واردات
۲۱۰.....	اعطاء یا اخذ نمایندگی
۲۱۱.....	روشهای عرضه کالا
۲۱۲.....	بازرگانی اینترنتی
۲۱۳.....	فروشنده موفق
۲۱۵.....	امکانات اولیه برای بازرگانی
۲۱۵.....	بازرگانی مرزی
۲۱۶.....	مراجعه به تعاونیها و مراکز پخش و بازارهای مرزی
۲۱۷.....	یک قرن گذشت

پیشگفتار

اگر به انسان به دیده یک زندانی در کره خاکی بنگریم. همانطور که زندانی برای تحمل دوران حبس خود با ایجاد سرگرمی‌های گوناگون نظیر نقاشی، کاردستی، گل کاری در باغچه‌های زندان تحمل ایام را ساده‌تر می‌سازد. انسان نیز برای گذران دوران اقامت خود با ایجاد سوژه‌های گوناگون و سرگرم شدن با آنها گذشت ایام را ساده‌تر تحمل می‌نماید. بدیده کار و کار کردن تنها بخاطر نیاز مالی و اقتصادی نیست. چه آنکه ثروتمندان و افراد بی‌نیاز مالی نیز اجباراً به نوعی به کار و تلاش مشغول می‌شوند.

اگر انسان را اشرف مخلوقات بنامیم. بدلیل هوش و ذکاوت بشری نیست چه بسیاری از حیوانات از هوش و ذکاوتی به مراتب بیشتر از انسان برخوردارند. آنچه انسان را اشرف مخلوقات می‌سازد نطق و بیان است که بشر را قادر به انتقال تجربیات و دانسته‌های خود می‌سازد درحالیکه حیوانات قادر به انتقال تجربیات خود نبوده و لذا همواره بصورت غریزی و ابتدائی به زندگی ادامه می‌دهند در حالیکه بشر به برکت انتقال تجربیات موفق به برپائی چنین تمدنی در کره خاکی گردیده است. متأسفانه همواره تصور براین بود که تحصیلات دانشگاهی مجوز ورود به جامعه است که به دنبال خود رفاه، منصب و موفقیت اجتماعی را بدنبال دارد.

این تصور در ابتدا با پیدایش دانشگاه در ایران که هدفی جز تربیت کارشناس برای سازمان‌ها و وزارتخانه‌های نوپای آن زمان نداشت چندان ریشه گرفت که هنوز هم با همین نگاه مشغول فارغ التحصیل کردن جوانان هستند ولی حتی یک ساعت در روز آخر به آن‌ها نمی‌آموزند که از این تحصیل و آموخته‌ها چگونه می‌توان درآمدی اقتصادی را دنبال نمود. چون دیگر آن فرصت‌ها وجود ندارد و ادارات کشور مملو از پرسنل

اضافی و غیر ضروری است. امروز باید این حقیقت را پذیرفت که تحصیلات فقط به بالا رفتن آگاهی انسان کمک می‌کند و انسان را برای دستیابی به منابع و اطلاعات می‌تواند راهنما و راهشگا باشد. کما اینکه کمتر افرادی در دانشگاه فارغ التحصیل شده و در رشته تحصیلی خود به کار مشغولند امروزه مشکلات عدیده‌ای در زمینه اشتغال پیش روی توده عظیمی از جوانان کشور ظاهر گردیده که دلایل زیر را می‌توان علل بروز این نابهنجاری دانست.

۱- هیچ سازمان یا مرکزی برای راهنمایی و هدایت جوانان وجود ندارد که تجربیات و اطلاعات مربوط به کار و تلاش را آن‌هم در عصر انفجار اطلاعات در اختیار جوانان قرار دهد.

۲- در روستاها و شهرهای کوچک راهنما، مشاور و یا انسان آگاهی که بتواند الگو و راهنمای جوانان برای اشتغال و فعالیت باشد وجود ندارد.

۳- اشرافیت مورثی و ثروتهای خدادادی همواره مشکلات کشور و دولتمردان را مرتفع ساخت و همین ثروت خدادادی موجب گردید تا هرگز نگران آینده و فردای خود نباشیم. لذا نقطه‌ای از مغز که مرکز خلاقیت و نوآوری ابداع و ابتکار است تدریجاً غیرفعال و خاموش گردید.

۴- وظایف دولت تأمین اشتغال برای جوانان نیست دولت‌ها مسئول تأمین امنیت، بهداشت، آموزش ارتباطات و تأمین مواد غذایی هستند و زمانی دولتها تحت فشار جامعه بدون آگاهی یا بررسی مبادرت به پرداخت مبالغی وجه نقد به متقاضی می‌نمایند و از آنها بیکار بدهکار ساخته و هیچ‌گونه موفقیتی را موجب نمی‌گردند.

۱- تحقق هر هدفی باید شامل ۵ حلقه ایده، راهکار، ابزار، سرمایه و بازار باشد لذا پرداخت وام یکی از حلقه ۵ گانه را مرتفع سازد در حالیکه برای ۴ حلقه دیگر راهکار یا منبعی در دسترس نیست.

۲- عضل بیکاری آن‌هم در کشوری که جوان‌ترین هرم سنی را دارد منشاء فساد، فحشاء، سرقت و اعتیاد می‌گردد که خسارت‌های جبران‌ناپذیر آن بر پیکر اجتماع بر کسی پوشیده نیست.

۳- پرداخت یارانه به همه کالاهای مصرفی موجب زندگی ارزان برای آحاد جامعه می‌گردد و این ثروتی که می‌بایست در خدمت عمران و سرمایه‌گذاری زیر بنایی باشد در قالب مواد غذایی و انرژی تلف می‌شود تا جایی که امروز دست در جیب نسل آینده نموده و از آن محل به زندگی ادامه می‌دهیم. در حالی که اصلاح این مسئله علاوه بر صرفه‌جویی در مصرف بی‌رویه تلاش و کوشش مضاعفی را طلب می‌کند که بهای کالاهای مصرفی خود را به قیمت واقعی بپردازیم. آیا تعجب‌آور نیست که مصرف انرژی در ایران با کشور پهناور چین برابر باشد؟

۴- برای هر ایده یا اختراع یا ابتکاری رویالیتی یا پانت (ثبت اختراع) در کشور ما بی‌معناست لذا امنیت برای صاحبان آن‌ها هرگز وجود ندارد و ریسک و تلاش و کوشش را در کشور به حدی بالا می‌برد که انصراف از آن بهترین راه خواهد بود.

۵- رفاه کاذب و استفاده از منابع خدادادی ما را از شناخت سایر منابع کشور محروم ساخت و توجه نداریم که طبیعت ایران گیاهان و سایر منابع کشور هر یک به مراتب ارزشمندتر از چاه‌های نفت کشورند.

۶- روش‌های کلاسیک و کهنه پاسخگوی این خیل عظیم بیکاران در اجتماع نیست مهم‌تر آن که در این روش‌ها سرمایه و پول اولین فاکتور هرگونه اشتغال به حساب می‌آید. در حالی که این طبقه فاقد هرگونه امکانات مالی بوده و یا باید طرحی نو درافکند که با همان امکانات اندک جوانان زمینه اشتغال را فراهم ساخت تا درآمد قابل توجهی از مهاجرت به شهرها و روی آوردن به شغل‌های کاذب نیز جلوگیری کند.

۷- نبود روش‌های امروزی و طرح‌های انقلابی و نوین برای برون رفت از مشکل بیکاری موجب فرار مغزها گردید و سرمایه مادی و معنوی عظیمی را به عنوان هدیه‌ای از ایران نصیب دیگر کشورها نمود.

۸- جوان ایرانی از یکسو تحت فشار خانواده و اجتماع و از سوی دیگر در آرزوی زندگی مناسب، همسر و درآمد مکفی بسیار آسیب‌پذیر و شکننده می‌گردد. از طرفی روش‌های گذشته منسوخ شده و کارساز نیست. در حالی که هزاران امکان در اقصی نقاط کشور پراکنده است که با شناخت آن‌ها و وصل کردن این سوزها به یکدیگر می‌توان زمینه‌ساز اتفاقاتی بزرگ در زمینه اشتغال و کار و تلاش گردید. جوان ایرانی نمی‌داند با چه سرمایه‌ای، چه ایده‌ای، چه تجربه‌ای و چه راهنمایی پا به عرصه اجتماع بگذارد که ایجاد مراکز کارآفرینی کاربردی یکی از روش‌های هدایت متقاضیان می‌باشد.

۹- متأسفانه در مراکز قانونگذاری نظیر مجلس نیز هرگز نماینده‌ای که سخنگو و بازگوکننده مسائل تولیدکنندگان و صنعت کاران باشد وجود نداشته لذا پشت درهای بسته برای صنایع دوختند و بریدند تا آنجا که امروزه صنایع کشور مأمور

وصول ۱۴ نوع عوارض نظیر هلال احمر، کمک به زندانیان، تربیت بدنی، عوارض شهرداری و... می‌باشند که از مردم دریافت و به دولت بپردازد در حالی که از فروش کالای خود در مانده است.

۱۰- در کشورهای نظیر ژاپن واحدهای صنعتی اگر چه به دست عاشقی بر پا گردیده ولی متعلق به سرزمین است که نسل‌ها در آن به کار و تلاش خواهند پرداخت لذا حمایت دولت هرگز موجب از بین رفتن یا نابودی آن واحد نخواهد شد ولی تفاوت ره از کجاست تا به کجا.

۱۱- هنوز در کشور ما به سرمایه‌گذار با چشم زالو صفت، وابسته به امپریالیسم و خون‌آشام یاد می‌شود در حالی که در کارهای غیرمولد مانند دلالتی و واسطه‌گری از احترام فوق‌العاده‌ای در اجتماع برخوردار خواهید شد. هنوز فرهنگ‌سازی در این زمینه در کشور ما صورت نگرفته تا افراد مولد، خلاق مورد توجه و احترام ویژه قرار گیرند. مؤلف سالهاست پیشنهاد می‌نماید که به مولدها و خلاق‌هایی که دست به احداث صنعت تولید یا کشاورزی خواهند زد لقب عالیجناب اهدا گردد. این افراد نیاز به ایستادن در صف اتوبوس یا سینما نداشته و یا ردیف اول صندلی‌های یک سالن مخصوص عالیجنابها باشد. متأسفانه این توجه معنوی که هیچ‌گونه هزینه‌ای بر دوش دولت ندارد هنوز در کشور ما اندیشه نشده.

۱۲- تورم، رشوه، ربا، بازار سیاه، احتکار و عوارضی از این دست می‌تواند هر لحظه طومار فکری ما را درنوردد ولی متأسفانه این موانع و راه بیرون رفت از آن را به جوانان نمی‌آموزیم و همواره مدینه فاضله‌ای را پیش روی آن‌ها طرح می‌نمائیم

که متأسفانه در اولین برخورد با عوامل بازدارنده حاصلی جز سرخوردگی ناامیدی و رهائی فکر و اندیشه ندارد.

۱۳- تدریس و بحث بر سر مسائلی که فلاسفه و دانشمندان جهان مطرح ساخته‌اند اگرچه در جای خود مفیدند ولی برای جوانان بیکار ارزشی ندارد و دانستن اندیشه‌های دکارت و افلاطون یا مالتوس برای من که از بیکاری و بی‌پولی و ناامیدی رنج می‌کشم چه راه‌حلی خواهد بود همانطور که به کشاورزان تعداد گلبرگ و کاسبرگ گیاهان را می‌آموزیم و از آن‌ها می‌خواهیم که تعداد آن‌ها را حفظ نماید در حالی که این موضوع برای دانشمندان یا زیست‌شناسان شاید جاذبه‌ای داشته باشد ولی برای یک کشاورزی ساده چه فرصت‌هایی و یا چه راهکاری و یا راه‌حلی را به دنبال خواهد آورد؟

۱۴- چیدن هر میزان صفر کنار هم حاصلی جز صفر ندارد ولی چنانچه عدد یک در کنار آن‌ها قرارگیرد میلیاردها می‌شود سوژه‌های پراکنده در کشور عزیزمان بشمارند ولی به دلیل عدم شناخت آن‌ها به منزله صفر جلوه می‌کند اما اگر فردی به منزله شماره یک در کنار این صفرها قرارگیرد به چه ارزش‌هایی دست خواهد یافت.

مقدمه

حاصل چهل سال تلاش بی‌وقفه و عاشقانه مؤلف با کار شبانه‌روزی که منجر به ایجاد ده‌ها واحد تولیدی صنعتی و کشاورزی گردید و تجارب ارزنده‌ای که در فراز و نشیب‌ها در جهت تحقق این اهداف به دست آمد و دریافت ده‌ها لوح سپاس و تقدیرنامه و تشویق‌نامه از مقامات و مسئولین کشور از یک سو و بیماری مهلک و مسموم بیکاری به‌خصوص در شهرستان‌ها و روستاها که جوانان این کشور می‌آزارد و هیچ دری به روی آنان باز نیست تا راه برون رفت از این معضل را دریابند از دیگر سو مرا که خود روستازاده و از طبقه متوسط جامعه می‌باشم به شدت می‌آزارد. لذا مرا بر آن داشت که تجربیات گوناگون خود را در قالب کتاب و مجلات با جوانان کشورم در میان گذارم. لذت اجرای الگوهای موفق که در مناطق محروم کشور به اجرا درآورم و زمینه‌ساز صدها فرصت شغلی گردید سالیان درازی است که با روح و جان من همراه است زیرا:

۱- دیگر روش‌های کلاسیک برجای مانده از قرون ۱۹ و ۲۰ پاسخگو خیل عظیم بیکاران نیست.

۲- مراکز دانشگاهی کشور که در ابتدا با هدف تربیت کارشناس برای سازماندهی ادارات برپا گردید همچنان به همان روال ادامه یافته و در پایان تحصیل به دانشجویان نمی‌آموزند که صرف سال‌ها وقت برای کسب تحصیلات را چگونه می‌توان در خدمت اشتغال درآورد و چگونه می‌توان از آموخته‌ها راهی برای کسب و کار و درآمد یافت. در یک قرن اخیر ۴ انقلاب در دانشگاه‌ها رخ داده که عبارتند از: دانشگاه تنوری، صنعتی، کارآفرین و خلاقیت که متأسفانه در ایران پهمچنان با دانشگاه‌های نسل اول روبرو هستیم.

۳- مراکز فنی و حرفه‌ای به جوانان روش کار کردن می‌آموزند و دانشگاه‌ها جوانان را با علوم امروز جهان آشنا می‌سازند ولی متأسفانه بین این دو پدیده رابطه‌ای وجود ندارد تا محل تلاقی این دو به اشتغال بیانجامد. طرح خوداشتغالی می‌تواند پلی برای پرکردن خلاء این دو نهاد باشد.

۴- درآمد نفتی کشور که حل هر مشکلی را برای دولت و کشور آسان می‌نمود موجب گردید که اندیشیدن و جستجو و خلاقیت را از ایرانی سلب نماید. زیرا همواره احتیاج ما در اختراع است. بی‌نیازی ما را از کارآفرینی دور ساخت.

۵- همزمان شاهد شکوفایی و رشد غیرمنتظره کشورهای نظیر هند و چین می‌باشیم که با عمر کوتاه خود چگونه بازارهای جهانی را فتح نموده و با تولید ده‌ها هزار کالای گوناگون آن هم با قیمت باورنکردنی صنایع کشورهای بزرگ را به زانو درآورده‌اند و با آنکه از جمعیت‌های میلیاردی رنج می‌برند بدون تکیه به ذخایر نفتی و گازی سونامی وحشتناکی را در جهان موجب گردیدند.

۶- اکنون که سال‌های پایانی اقتصاد نفتی را تجربه می‌کنیم فرصت کوتاهی باقی مانده تا روش و الگوهای نوینی را پی‌ریزی نمائیم تا در صورت خشکیدن چاه‌های نفت و یا عرضه به قیمت جهانی به جای ماندن در پله اول و یا با چراغ نفتی در تاریکی به دنبال راهکار گشتن زمینه‌های مناسبی را آماده نمائیم تا به روشنایی برسیم.

۷- طرح خوداشتغالی یا باشگاه اشتغال به گمان اینجانب تنها راه برون رفتن از این معضل است که به مرحله اجرا رسیده است. بدیهی است عنایت ارزشمند خوانندگان به بذل نظر و معرفی بزرگانی که در گوشه و کنار کشور به‌طور گمنام به کارآفرینی

و ایجاد بنیان‌های فرهنگی، صنعتی اشتغال دارند به غنای این مجموعه و استمرار انتشار دوره‌های بعدی آن خواهد افزود.

نگاهی به سوابق علمی پژوهشی:

تامرد سخن نگفته باشد عیب و هنرش نهفته باشد

دکتر علی اصغر جهانگیری به سال ۱۳۲۵ هجری خورشیدی در روستای کندلوس (میخساز) واقع در بخش کجور از توابع شهرستان نوشهر دیده به جهان گشود. چهار ماهه بود که به همراه خانواده خود به تهران آمد. تحصیلات ابتدائی را در دبستان طوسی و دوره متوسطه را در دبیرستان هدف طی کرد. سپس دوره لیسانس شیمی را در سال ۱۳۵۰ به پایان برد و در کارخانجات سیمان تهران به کار پرداخت. آنگاه به تحصیل ادامه داد و از دانشگاه پلی تکنیک تهران موفق به اخذ درجه فوق لیسانس شیمی در رشته پتروشیمی و الیاف مصنوعی گردید. جهانگیری مدتی در آمریکا به تحقیق و تحصیل مشغول بود سپس با عنوان کارشناس در سازمان ملل متحد در کشور اتریش به کار و تحصیل پرداخت و مطالعات خود را در رشته پلاستیک و پلیمر نیز به پایان رسانید و جهانگیری دکترای خود را از دانشگاه لندن اخذ نمود. از جمله مشاغل وی مدیریت تولید در کارخانجات سیمان تهران، فعالیت در زمینه حفاری چاه‌های نفت در کمپانی بایرون جکسون آمریکا و سولفات سدیم، تیدی، مدیریت پروژه آلومینیوم دورال، پروژه‌های صنایع تولید دارو، بنیان‌گذار مجتمع کشاورزی کندلوس، بنیان‌گذار شرکت هگزان، مؤسس بنیاد خیریه کندلوس، صاحب امتیاز مؤسسه فرهنگی و موزه کندلوس جهانگیری، دارای پروانه تحقیقات علمی دارای عنوان‌های صنعت مرد ایران و کارآفرین ایران می‌باشد.

جهانگیری در سال ۱۳۵۸ با تأسیس کارخانه تولیدکننده مواد بهداشتی و پاک‌کننده به نام "هگزان" به فعالیت در زمینه تولید مواد بهداشتی پرداخت. ایجاد مجتمع کشاورزی کندلوس در سال ۱۳۶۳ و جمع‌آوری گیاهان علمی و ژنتیکی از سراسر عالم به منظور ایجاد اشتغال در دهکده کندلوس و تولید اسانس، عطر و داروهای طبیعی از جمله

فعالیت‌های نامبرده است که تا به امروز بالغ بر ۵۰ هکتار از اراضی دهکده به کشت و پرورش این گیاهان اختصاص یافته است.

سایر فعالیت‌های پژوهشی تحقیقاتی:

کارشناس برنامه‌های گوناگون در صدا و سیما، انتشار آثاری در زمینه‌های گوناگون علمی و فرهنگی، بازسازی و اجرای بیش از ۲۰ ملودی موسیقی سنتی، احداث موزه کندلوس، تحقیق و تولید بیش از یکصد محصول تولیدی از منشاء طبیعت، تهیه مقالات گوناگون در زمینه‌های شوینده‌ها، محیط زیست، تولید اسانس‌های طبیعی و ساخت دارو از طبیعت، برگزاری سمینارهای مرتبط و همکاری با دانشگاه‌ها و صنایع پتروشیمی به منظور ارائه طرح‌های کوچک و بزرگ اشتغال‌زایی تحت عنوان بانک اشتغال تهیه و پیشنهاد پروژه‌های ایجاد باغ بوتانیک و نیز برپایی دهکده‌ی تاریخ برای معرفی آیین‌ها و سنت‌های اجتماعی کشورمان در قرون گذشته.

امروزه در کنار موزه‌ی کندلوس مهمانسرا، پارک و رستوران کندلوس نیز فعالیت دارد که درآمد آن صرف آموزش و پرورش دانش‌آموزان مناطق محروم کشور می‌گردد. ایجاد شرکت نوش درمان تولیدکننده داروهای طبیعی براساس استانداردهای بین‌المللی یکی دیگر از فعالیت‌های ایشان است که با نمونه‌برداری از داروهای اروپائی موفق به تولید پاره‌ای از داروهای بین‌المللی از منشاء طبیعی آن شده که احداث اولین کارخانه مربوطه در ایران در دست بررسی و مطالعه است.

علی‌اصغر جهانگیری در خلال جنگ ایران و عراق و در میان تمام مشغله‌های متفاوت در سال ۱۹۸۷ به اخذ درجه‌ی دکترا در رشته جامعه‌شناسی از دانشگاه North field انگلستان گردید.

پاره‌ای از ویژگی‌های کارآفرینی مؤلف:

- مؤلف زبان انگلیسی را از هیپی‌های دوره‌گرد می‌آموزد.

- با تعویض قند، چای و سیگار هزاران سکه و اشیاء فرهنگی باستانی را جمع آوری می‌کند.
- ملودی‌های موسیقی قبل از پیدایش رادیو از مردم روستاها جمع آوری و بازسازی و اجرا می‌نماید.
- با ۴۰۰ دلار عازم آمریکا می‌شود.
- کارشناس سازمان ملل در کشور اروپا می‌شود.
- بیش از یکصد گونه گیاهان را از سراسر دنیا به ایران می‌آورد تا ایرانیان را با این گیاهان و کاربرد آن‌ها آشنا سازد. نظیر آلوئورا
- در میان اشیاء جمع آوری شده توسط او کتاب خارستان سعدی و سندی از شهر سمنگان دیده می‌شود.
- او عنوان صنعت مرد ایران را در سال ۸۴ به خود اختصاص می‌دهد.
- با برپائی موزه کندلوس منطقه محروم کجور را به شهرت جهانی می‌رساند.
- تا امروز بالغ بر ۲۰ جلد کتاب تدوین و منتشر می‌نماید.
- پاره‌ای از اشعار مؤلف به صورت سرود و ترانه ملی اجرا و عرضه گردید.
- نوشابه‌های شفابخش گازدار، سیگار بدون نیکوتین، تبدیل مایع ظرفشویی به قرص از جمله ابتکارات اوست.
- بالغ بر ۱۲۰ لوح سپاس، تشویق‌نامه از مقامات، مسئولین و شخصیت‌های علمی و فرهنگی کشور دارد.

- طراح پروژه باشگاه اشتغال به منظور تغییر ساختار کشور برای ایجاد شغل برای جوانان است.
- مجری ۲۰ طرح ملی و کشوری در زمینه‌های عمرانی.
- مدرس دانشگاه‌های گوناگون در زمینه خوداشتغالی و ده‌ها سوزه و عنوان دیگر.

در مکتب عاشقان قراری دگر است این باده ناب را خماری دگرست
آن درس که در مدرسه حاصل کردی کاری دگرست و عشق کاری دگرست

یادها و خاطره‌ها:

جلوه‌ها گردم و نشناخت مرا اهل دلی منم آن سوسن وحشی که به ویرانه دمید
خاطرات شیرین کودکی همیشه ماندگارترین و جاودانه‌ترین لحظه‌های زندگی هر انسانی است. دوری از زادگاه این دلبستگی‌ها و خاطره‌ها را شیرین‌تر و دلنشین‌تر می‌کند.
روزگاری که برای آموختن حرفه و دانش از روستای زیبا و با صفای خود دور افتادم و به ویژه از آن هنگام که دنیای بی‌رنگ خود را با چراغ‌های الوان شهرها رنگ می‌دهد دهکده زادگاهم با قامتی استوار در ذهنم تجلی می‌کرد و خاطره‌اش همواره در موجی از احساس و عواطف پاک انسانی غوطه‌ام می‌داد و مرا که بهره‌اندکی از نویسندگی داشتم و سر و کارم بیشتر با ماشین و تکنولوژی بود بر آن می‌داشت تا مرثیه‌ای در غم از دست دادن آن همه اصالت و زیبایی بسرایم.

پس از سال‌ها که دوباره به جست‌وجوی خاطره‌ها و یادبودهای شیرین کودکی مشتاقانه به روستای زادبوم خود شتافتم. به جز چند نفر که کلاه نمدی به سر داشتند تعدادی را نیز با شلوار جین و بلوز خارجی دیدم. ظرف‌های زیبای سفالین بعضی جای خود را به ظرف ملامین داده بود. روستایی شلیته و پیراهن خود را از نگاه بیگانه پنهان می‌کرد و آوازه‌ایش از آهنگ‌های رادیو الهام می‌گرفت. لباس‌های پشمی و جاجیم‌های

رنگارنگ دستباف جای خود را به پارچه‌هایی داده بود که از شهر خریداری شده بود و دیگر اثری از دختری که از چشمه با سب و آب بگیرد و خود را از چشم نامحرم مخفی کند دیده نمی‌شد. روستائی که زمانی با نغمه پرندگان خوشخوان بیدار می‌شد اینک با صدای گوشخراش اره برقی که به جان درختان جنگل افتاده بود بیخواب می‌گشت. خوب به خاطر دارم که در گذشته اگر کسی برای زیارت مشهد می‌رفت با آواز چاوشی از همه ده خداحافظی می‌کرد و مردم برای دعا و ثواب به او پول می‌دادند تا به جای ایشان نایب الزیاره باشد.

اگر کسی خانه‌ای می‌ساخت اهالی خود را موظف می‌دانستند یک روز به رایگان و افتخاری در ساختن خانه به او کمک کنند. در مراسم عروسی دعوت شدگان به عنوان هدیه به عروس و داماد کمک مالی می‌کردند که گاهی بیشتر از هزینه عروسی آن‌ها می‌شد. روح تعاون و همکاری به زیبایی در دهکده متجلی بود و همه گوش به زنگ بودند تا در رفع هرگونه گرفتاری و مشکلی همسایه هم‌ولایتی خود را یاری و توان دهند. اما امروز؟؟؟